







شهرتی که امروزه هیچ‌کس در عظمت آن آثار تردید روا نمی‌دارد.

داستان فنلاند، شهامت و عزم و خصال مردمش، به شیوه‌ای جدایی‌ناپذیر با داستان بزرگ‌ترین شهروندش، ژان سیبلیوس آهنگساز پیوستگی دارد، آهنگسازی که با آثار خویش، کشورش را به سراسر دنیا شناساند.

الیوت آرنولد داستان این مرد و کشورش را با شوق و هیجان و با نثار احترامی عمیق به ساحت موسیقی سیبلیوس توأم می‌سازد و شهامت آمیخته با عزم فنلاندی‌ها را بسی پاس می‌دارد. فنلاندیا فقط سرگذشت یک مرد نیست بلکه سرگذشت ملتی را بیان می‌دارد.

تصاویر نفیس پرداخته لولیتا گراناهاان به شیوه‌ای عالی و مطلوب با روح کتاب الیوت آرنولد همخوانی دارد و حاصل قلم نویسنده و قلم‌موی نقاش به صورت یکی از دلنشین‌ترین زندگینامه‌های معاصر، می‌تواند خوانندگان را محظوظ سازد.

در پایان هر فصل نیز نویسنده کتاب، قطعه‌ای از منظومه حماسی کاله‌والا را که با مضمون آن فصل همخوانی دارد گنجانده و با این کار ذوق قابل‌تحسینی نشان داده است.

### سخنی چند درباره نویسنده کتاب

الیوت آرنولد، نویسنده این زندگینامه، هنوز دوران سی سالگی را می‌گذراند که همگام با انجام دادن مأموریت‌هایش در سمت خبرنگاری یکی از روزنامه‌های نیویورک، نگارش سه کتاب را به پایان رسانده بود. فنلاندیا چهارمین کتاب او به‌شمار می‌آید که به صورت یک زندگینامه نوشته شده بود. این کتاب، حاصل و برآیند دو علاقه مربوط به یکدیگر است: علاقه عمیق وی به موسیقی سیبلیوس و تحسین عمیق نویسنده نسبت به ملت فنلاند، و آنچه هم آن ملت در هنگام جنگ و هم در زمان صلح از خود نشان داده‌اند.

در جریان یکی از سفرهایش به اروپا، الیوت آرنولد فرصت آن را یافت که آمیخته با شوق یک زائر، سفری هم به فنلاند بکند و به دیدار خانه بیلاقی سیبلیوس واقع در خارج هلسینکی موفق شود. آنچه این نویسنده در طول سفر فنلاند دید، او را نسبت به مطالعه درباره تاریخ و مردم آن کشور بسی مشتاق‌تر ساخت و همچنین دریافت که موسیقی سیبلیوس به چه میزان عمیقی، همانا نشان از موسیقی فنلاند، دریاچه‌هایش، تپه و ماهورهایش، رودخانه‌هایش و مردمانش دارد. در آن